

پدیده ای بنام میرحسین موسوی

جنبش مردمی

رهبران خود را می یابد

تقاضاها از میرحسین موسوی، نخست وزیر دوران حیات آیت الله خمینی برای اعلام نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری، علیرغم اعلام انصراف او همچنان ادامه دارد.

هم دعوت از موسوی و هم اساساً درباره زمینه ممکن و ناممکن ورود میرحسین موسوی به انتخابات سئوالاتی مطرح است که باید برای آنها پاسخ یافت.

واقعیتهایی که روز به روز روشن تر خود را نشان می دهد آنست که علاوه بر اختلاف نظرات قدیمی و ریشه دار موسوی و خامنه ای، میرحسین موسوی دارای نظرات و دیدگاه های اقتصادی است که در حال حاضر با برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی جمهوری اسلامی همخوانی ندارد. از جمله برنامه چشم انداز 20 ساله، که نسخه ای ملهم از برنامه تعدیل اقتصادی بانک جهانی است و یا برنامه انجام گسیخته خصوصی سازی در جمهوری اسلامی که نفت و گاز و معادن و حتی راه آهن دولتی را نیز شامل شده و می رود تا بانک ها را نیز شامل شود. بنابراین، این تقاضاها و بحث ها آنجا که به شخص و شخصیت میرحسین موسوی بر می گردد، از نظر ما خوش بینی توأم با نداشتن درکی واقعی از عمق قشر بندی های حاکمیتی است که ما آن را بی اعتناء به شعارهای عوامفریبانه ای که داده می شود در قبضه سرمایه داری غارتگر تجاری می دانیم و قشرترین و ارتجاعی ترین روحانیون حکومتی نیز در همین ترکیب طبقاتی جای دارند.

عده ای معتقدند سمت گیری اقتصادی- طبقاتی حاکم به اندیشه های شناخته شده میرحسین موسوی (اگر این اندیشه ها دچار دگرگونی نشده و همان باقی مانده باشد که می شناسیم) با توجه به شرایط کنونی جهان و فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم اجازه حضور نخواهد داد و به همین دلیل، اکنون دوران افکار میرحسین موسوی و به تبع آن، هر نوع برنامه دارای گرایش های سوسیالیستی نیست.

در پاسخ به این عده می توان گفت که نظری به رویدادهای ونزوئلا و اصلاحات انقلابی در کنار گوش امریکا و یا پیروزی چپ در اروگوئه و برزیل و تشکیل دولت توسط آنها، رد قاطع این یاس و یا تبلیغ یاس است. یاسی که در جمهوری اسلامی طیف گسترده راست مبلغ آن است و برنامه چشم انداز 20 ساله بر مبنای آن تنظیم شده است.

بنابراین، بحث نه از آمدن و یا نیامدن میرحسین موسوی، بلکه از آنجا آغاز می شود که چنین سمت گیری اقتصادی- طبقاتی در ایران کنونی با توجه به تناسب نیروها عملی و ممکن هست یا نیست. پاسخ به این سئوال تعیین کننده تکلیف حضور آن اندیشه ایست که میرحسین موسوی بدان شهرت دارد. چنانچه زمینه چنین اندیشه ای وجود داشته باشد، تردید نیست که چهره های دیگر شناخته شده و یا ناشناخته در ایران هستند که این بار را بتوانند از زمین بردارند. حتی اگر میرحسین موسوی و یا امثال او بهر دلیلی نخواهند پا به میدان بگذارند.

حال باید دید این زمینه چگونه فراهم می شود؟

حرف و نظر توده ای ها در این زمینه مشخص است: تنها با یک جنبش اجتماعی از پائین چنین زمینه ای فراهم می شود. جنبشی با آن خواست های اقتصادی که کسانی آن را در میرحسین موسوی خلاصه دیده اند. عبارتی دیگر، در ادامه بحران همه جانبه کنونی در ایران (بی اعتناء به این که این فرد یا آن فرد رئیس جمهور شود، اما برنامه های اقتصادی کشور همان باشد که در برنامه 20 ساله تنظیم شده) ما به سمت چنین جنبشی می رویم و این همان زمینه ایست که در برزیل، اروگوئه و ونزوئلا امکان اصلاحات اقتصادی- اجتماعی

رادیکال را بسود وسیع ترین اقشار مردم فراهم آورد. پیش از آنکه قهرمانان را جستجو کنیم، باید زمینه اجتماعی رهبران جنبشی مردمی را فراهم سازیم. در اینصورت، میرحسین موسوی ها پیدا خواهند شد، حتی اگر او نیاید و یا نخواهد و یا نتواند!

جان کلام این است! ضعف بزرگ تحولات اساسی در ایران نیز همین است.